

۱۱۳۸۸۹۴

به نام خدا

دریچه های امید

الهام صراطی

www.ketab.ir

سرشناسه: صراطی، الهام

عنوان: دریچه های امید- الهام صراطی

مشخصات ظاهری: ۱۰۰-رقعی

مشخصات نشر: تهران- البرز فردانش ۱۳۹۴

شابک: ۸-۰۸۸-۲۰۲-۶۰۰-۹۷۸

موضوع: امید-اسلام

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۴ ۳۸۵ ص/ BP۲۱۶

رده بندی دیویی: ۱۲۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۷۲۳۰۰

عنوان: دریچه های امید

نویسنده: الهام صراطی

مشخصات نشر: تهران- البرز فردانش ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۱۰۰ ص- رقیعی

شابک: ۸-۰۸۸-۲۰۲-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

چاپخانه: مهر آس صحافی: صدف

تیراژ: ۳۰۰۰

قیمت: ۳۴۰۰۰ ریال



ضلع شمال غربی پل سید خندان- اول خیابان شقایق- کوچه بن بست اول- پلاک ۳- واحد ۱۲

alborz22 887301@ yahoo.com

تلفن/تلفکس: ۲۲۸۸۷۵۰۱- ۲۲۸۶۰۲۶۰

کد پستی: ۱۵۴۱۹۴۳۵۳۵

مقدمه نویسنده...

ای خوب من به تو ایمان دارم گاه و بی گاه که از تنهایی، دلم به یاد توست و یاد تو مرا آرام می کند ایمان دارم که نیرویی خواهد آمد . تو از آیین قلب دنیا، هر غصه و رنج و غم را می زدایی. وقتی او بیاید همه پایین دلم فصل دل انگیز بهار می شود.

من هنوز هم به معجزه های تو ایمان دارم.

نمی دانم با چه اسمی صدايت کنم که لطيف ترين اسمها از آن توست که تا اين لحظه نتوانسته ام فاصله ام را حتی اندازه یک ذره هم به تو نزديک کرده باشم. من عاشق جهان هستی تو هستم که با آیات و نشانه های بهشت را که با بوی عطر و نور آمیخته شده نمایان ساخته ای در این سرای تو توفان عشق را آورده ای بی هیچ فرمانی فرمانروایی کردی و بی هیچ تهدیدی به دلها نشستی هر چه بسویت می آیم گویی نمی رسم . هر چه تو امر کنی همان را انجام می دهم و داده ام هر چه را که نهي نکنی هر گز انجام نخواهم داد و نداده ام .

گوشایم لحظه به لحظه منتظر فرمان تو است می دانم روزی به تو خواهم رسید.

چه کنم همه دارایی من هستی در نهایت زندگی ام تنها چیزی را که
بدنبالش می گردم همین عشق توست و بس. به هیچ بهایی حاضر نیستم
عشق به تورا از دست بدهم .

تو به من یاد دادی دلی را نیازم خاطر عزیزی را مکرر نکم قلب بلوری
دوستم را نشکنم از همه مهمتر کریستال درخشان روحم را لکه دار نکنم.
ای عشق من: تو حسادت را از من دور کردی.

بگذار جذبه خیر کننده ات مرا از قالب جسم رهایم کند رمز گشای قلبها.
در زیر آوار رنگهای خیال انگیز دنبال هویدا هستی قطره های رحمت
همچون سیل روانه است .
دوست دارم کوزه های خالی را با فوران عشقم پر کنم.

در شمال و جنوب و شرق و غرب این دنیا می درخشی و طلوع و غروب
کردنت ستاره امید من است. مهر گرانت را بر من ارزان کن و دست
سخت و تمندت را به من قرض بده.

بگذار هر روز دلم بیشتر بلرزد بیشتر بخواهد و بیشتر وصل شود از
دستهای جدا مانده ام پلی برای عبور از ترس هایم بساز که هرگاه می
ترسم یاد تو آرامم کند ، هرگاه مضطرب می شوم تو آرامم می کنی،
هرگاه ناامید می شوم عشق تو است که امید را دلم زنده می کند .

ای درمان، ای سکون، ای آرامش همانا عشق تو هستی و بس.
بروی سجاده ام عطر گل یاس شو. همچون حادثه عبور از غم شو شفای
روح بیماران دردمند شو.

کلید درهای بسته شو، معجزه اجابت محراب شو، حدیث بهار و شکوفه
شو، بگذار عشق در وجودم جاری شود و روح صعود کند و قله ها را با
پرچم صلح و دوستی بلند و بلند تر کنم.

ما همگی فرزندان تو هستیم آغوشت را بگشا و ما را نوازش کن.
تو روح محبت را در درون ما دمیده ای تو هر شب ما را با امید گشایش و
مهر به فردایی دوباره دعوت می کنی.
تو نور امیدی در دل دشواریها.

من اکنون می خواهم به همه مردم تو در همه جا هستی هر جایی که نشانه
هایت باشد پس تو همان جا هستی.

دوست من چرا به دور دستها سفر می کنی می خواهی پیدایش کنی غفلت
نکن زمان را غنیمت بشمار همین جا در کنار تو است در قلب و روح
توست.

آتقدیر پاک و منزّه است، آتقدیر عزیز است که گویی خواستش جبر شده
، حاکم و قوی و وفادار و لطیف و آگاه هست که او خود عشق است .

آیا زمان پریشانیت را بیاد می آوری که عاجزانه به دست و پایش می
افتی تا وکالتت را بپذیرد و مراقب و حافظ تو باشد. بسیار مقتدر است
بردبار و صبور و توانا و قادر و دانا و بازدارنده و سپاسگذار و صادق و
رحمان و بخشنده هست. همه ی این صفات را به من و شما دوست عزیز
پیشکش کرده تا نگاهی به خود بیاندازیم تا خود را پیدا کنیم . چرا این
صفات را در دور دستها جستجو می کنی از جایت برخیز بین کی هستی و
چه قدرتی داری چرا نا امیدانه به زندگی ات می نگری اینک چندین
راهکار را برای پیشرفت و یا بالا بردن اعتماد به نفس خویش تمرین کنید
و تجربه و چندی بیش نمی گذارد کسی صاحب افکار و قدرت و شخصیت
والایی خواهید شد. ما قادر نیستم جهت باد را تغییر دهیم اما می توانیم
بادبانهایمان را به جهتی که دوست داریم تنظیم کنیم.